



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

صص: ۹۱-۱۲۴

شاپا چاپی: ۸۹۰۱-۲۹۸۰
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱



الگوی رهبری مشارکتی شیعه در سازمان وکالت اهل بیت علیهم السلام

محسن صبوریان^۱ | محمدحسین جمال‌زاده^۲

چکیده

رهبری شیعه در قالب نهاد امامت، با توجه به شرایط زمانه و اوضاع سیاسی اجتماعی دوران مختلف، الگوهای متفاوتی را به خود گرفته است. امامت اهل‌بیت در دوره چهارم یعنی از آغاز امامت امام سجاد تا پایان غیبت صغری، راهبرد متفاوتی را اتخاذ کرد که می‌توان آن را «بازیابی درونی شیعه» نامید. در این دوره تشکیلات شیعه در قالب سازمان وکالت، با هدایت ائمه اطهار عهده‌دار رهبری شیعه می‌شود. سازمان وکالت، شبکه‌ای ارتباطی برای رهبری شیعیان و متشکل از امام معصوم و عده‌ای از شیعیان نزدیک و وفادار به امام بوده است که نقش مهمی در پیشبرد اهداف اهل‌بیت داشته است. پژوهش حاضر با روش تاریخی و گردآوری کتابخانه‌ای داده‌ها به دنبال پاسخ به این سؤال است که «رهبری شیعه در قالب سازمان وکالت در چه حیطه‌هایی بروز و ظهور داشته و چه الگویی به خود گرفته است؟» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سازمان وکالت بر مبنای الگوی رهبری مشارکتی، تحت نظارت مستقیم امامان معصوم (ع) عمل می‌کرد. این الگو بر اساس نیازهای جامعه شیعه و با بهره‌گیری از اصول تعالیم اهل‌بیت (ع) طراحی شده بود و خود را در سه حیطه شئون، راهبردها و اصول رهبری شیعه بروز داده است. رهبری مشارکتی در سازمان وکالت بر سه اصل بنیادین استوار بود: پشتیبانی و حمایت متقابل، تصمیم‌گیری جمعی، و اهداف کلان. این چهارچوب، کارکردهای خاصی را در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برای جامعه شیعه در دوران فشار و محدودیت‌های سیاسی به همراه داشت.

کلیدواژه‌ها: شیعه، رهبری، اهل‌بیت، سازمان وکالت، امامت.

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

saboorian@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری رشته دانش اجتماعی مسلمین، گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

استناد: صبوریان، محسن؛ جمال‌زاده، محمدحسین. (۱۴۰۴). الگوی رهبری مشارکتی شیعه در سازمان وکالت اهل‌بیت علیهم السلام؛

مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی، ۴(۱۴)، ۹۱-۱۲۴. Doi: 10.47176/cir.2025.1196

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

شیعه به این اصل معتقد است که همان اهداف و اغراضی که منجر به ارسال رسل و انزال وحی از سوی خداوند شده، به شکلی دیگر در خصوص امام نیز دنبال می‌شود. سه شأن عمده برای رسول خدا وجود داشته که برای اهل بیت نیز ثابت است: مرجعیت دینی، مرجعیت سیاسی و مرجعیت قضایی. از این رو امامت منزلتی است دینی و ادامه منصب پیامبر است. (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۴ و ۲۵) امام دارای مرجعیت دینی است و گفتار و کردار او برای فهم دین منبع و سند محسوب می‌شود و او تفسیر حقیقی دین را به عهده گرفته است. علاوه بر این، امام دارای مرجعیت سیاسی است و همان گونه که پیامبر زعیم و رهبر جامعه بوده، امامان بعد از او نیز این وظیفه را به عهده دارند. شیعیان قائل به ولایت و زعامت سیاسی که نوعی صاحب‌اختیاری و سرپرستی بر مسلمانان است، برای امامان هستند همان گونه که قرآن چنین سرپرستی را برای پیامبر تبیین کرده است (احزاب (۳۳): ۶). کما اینکه مردم به حکم قرآن باید قضاوت و داوری او را می‌پذیرفتند و گر نه درجات ایمان در وجود آنها کامل نمی‌شود (نساء (۴): ۶۵)، بنابراین مرجعیت قضایی نیز به عنوان سومین شأن عمده برای رسول و امام ثابت است.

رهبری شیعه در قالب نهاد امامت، به حسب شرایط مختلف زمانی و اوضاع سیاسی اجتماعی دوران مختلف، الگوهای متفاوتی را به خود گرفته است. این الگوها هرچند از یک راهبرد اصلی که همان امامت و ولایت است، الهام گرفته، اما به تناسب موقعیت‌های سیاسی اجتماعی به اشکال گوناگونی ظهور پیدا کرده است. از دوره امام صادق تا پایان غیبت صغری، رهبری شیعه در قالب نهاد امامت توسعه یافته و به سمت تشکیلاتی‌تر شدن پیش رفته است. در این دوره تشکیلات شیعه در قالب سازمان وکالت با هدایت ائمه اطهار عهده‌دار رهبری شیعه می‌شود. سازمان وکالت، شبکه‌ای ارتباطی برای رهبری شیعیان و متشکل از امام معصوم و عده‌ای از شیعیان نزدیک و وفادار به امام بوده که نقش مهمی در پیشبرد اهداف اهل بیت داشته است. هرچند این تغییر و توسعه الگوی رهبری شیعه تدریجی است و در طول بازه زمانی ۲۱۵ ساله (از دوران امام صادق تا پایان غیبت صغری) روی داده، اما به نظر می‌رسد می‌توان بازه تأسیس تا اوج و انحلال سازمان وکالت را به عنوان یک الگوی متمایز برای رهبری شیعه بررسی کرد. مسئله پژوهش حاضر به الگوی

رهبری شیعه در سازمان وکالت اختصاص دارد و به طور مشخص عهده‌دار بررسی این سؤال است که «رهبری شیعه در قالب سازمان وکالت در چه حیطه‌هایی بروز و ظهور داشته و چه الگویی به خود گرفته است؟» در این پژوهش بررسی الگوی رهبری شیعه ذیل شئون، اصول و راهبردها به عنوان سه جزء اصلی ارکان رهبری شیعه در نهاد امامت صورت می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

پژوهش در زمینه تاریخ زندگی امامان شیعه سابقه دیرینه‌ای در میان محققان شیعه دارد. شیعیان، به موازات سایر مسلمانان، حضوری فعال در تدوین دانش‌های اسلامی داشتند. یکی از این دانش‌ها، دانش تاریخ است. کهن‌ترین کتابی که به شرح حال دوازده امام به تفصیل پرداخته، کتاب *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد* شیخ مفید (۱۴۱۳ق) است. پس از وی نیز پرداختن به زندگی اهل‌بیت در میان علمای شیعه رایج بوده، هرچند بیشتر در قالب گردآوری احادیث مرتبط با ایشان نمود یافته است. به عنوان نمونه محمدباقر مجلسی (۱۴۰۳ق) در *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار* ضمن گردآوری سخنان اهل‌بیت، احادیث مربوط به تاریخ زندگی ایشان را نیز آورده است.

از میان آثار معاصری که به تاریخ امامان شیعه اختصاص دارند، در این مجال، به آثاری اشاره می‌شود که به موضوع پژوهش حاضر نزدیک‌تر است. رسول جعفریان (۱۳۹۱) در *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه* به بررسی زندگی ائمه اطهار از زاویه اندیشه‌ها و مواضع سیاسی ایشان پرداخته و به نوعی الگوی کنش سیاسی هر یک از امامان شیعه را کنکاش کرده است.

مرتضی عسکری (۱۳۹۷) نیز در کتاب *نقش ائمه در احیای دین* در صدد شرح و تبیین این مسئله است که بزرگ‌ترین نقش امامان شیعه، حفظ دین از تحریف و دستبرد و بیان حقایق دین برای امت اسلامی بوده است.

مرتضی مطهری (۱۳۸۸) در کتاب *سیری در سیره ائمه اطهار* با بازخوانی ابعاد مختلف سیره اهل‌بیت به نقش رهبر گونه آن‌ها در روند تحولات صدر اسلام اشاره کرده است. تمرکز وی در این کتاب بیشتر بر پاسخ به شبهاتی است که از دل تفاوت کنش اجتماعی - سیاسی اهل‌بیت با یکدیگر سر برآورده‌اند و اذهان شیعیان این دوره را درگیر خود کرده است.

پیشینه پژوهش درباره سازمان وکالت و مسئله رهبری شیعه در آن چندان طولانی نیست. محمدرضا جباری (۱۳۸۲) در *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه* تلاش کرده است ماهیت سازمان وکالت را بر اساس گزارش‌های تاریخی تبیین کند. جاسم حسین (۱۳۷۷) یکی از نویسندگان شیعه عراقی است که به نقش و جایگاه سازمان وکالت در دوران ائمه پرداخته است. او یکی از اولین محققینی است که به این موضوع پرداخته است. هرچند کتاب او با نام *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم* بر موضوع غیبت امام زمان (عج) تمرکز دارد؛ اما با توجه به پرداختی که نسبت به سفیران و نواب امام دوازدهم داشته است، به موضوع سازمان وکالت در طول امامت امام صادق تا امام حسن عسکری نیز پرداخته است. این نویسنده شیعه عراقی معتقد است به مرور زمان سازمان وکالت به نهادی تعیین‌کننده در روابط و تعاملات شیعیان با یکدیگر و روابط شیعیان با امام تبدیل شده است (همان: ۸۹).

جواد علی (۱۴۰۲) نویسنده شیعه عراقی دیگری است که در اثر خود با عنوان *روند تکاملی گفتمان مهدویت در منابع شیعه اثناعشری*، نیم‌نگاهی به سازمان وکالت داشته است و ضمن بررسی شخصیت‌های برجسته شیعه در دوران امامت و دوران غیبت، به نقش سازمان وکالت در تثبیت و ترویج اندیشه شیعه پرداخته است.

ملبویی (۱۳۹۰) در کتاب *سازمان وکالت امامیه و سازمان دعوت عباسیان (شباهت‌ها و تفاوت‌ها)*، به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های سازمان دعوت عباسیان و سازمان وکالت در مرحله شکل‌گیری و رشد آن دو پرداخته است. او از بررسی تحلیلی - تاریخی خود چنین نتیجه گرفته که یکی از عوامل پیدایش هر دو سازمان، رقابت سیاسی با جناح‌های دیگر و لزوم حفظ پیروان خود در رقابت با آنان بوده است. (ملبویی، ۱۳۹۰: ۱۱۱)

رحیم لطیفی (۱۳۹۲) نیز در کتاب *پرسمان نیابت و وکالت امامان معصوم*، در شش فصل به صورت پرسش و پاسخ به بررسی ساختار، قلمرو و وظایف نهاد وکالت و ویژگی‌های وکلای واقعی و مدعیان دروغین وکالت پرداخته است.

رهبری جامعه شیعه، سیر تاریخی از سازمان وکالت تا ولایت فقیه نوشته جواد نصراله‌پور (۱۳۹۹) نیز کتاب دیگری است که به تطور تاریخی رهبری شیعه پرداخته است. زاویه دید نصراله‌پور در این کتاب بیشتر متمرکز بر مسئله رهبری جامعه شیعه است. از این رو به سازمان

وکالت به‌عنوان نهاد رهبری شیعه توجه داشته است و سیر تطور تاریخی این سازمان به‌سوی نیابت عامه فقها از اهل‌بیت در دوره غیبت کبری (ولایت فقیه) برای وی اهمیت مضاعفی داشته است (نصراله‌پور، ۱۳۹۹: ۸۰ - ۹۰). این اثر بیشترین قرابت موضوعی به موضوع پژوهش حاضر دارد اما بحثی درباره شئون، راهبردها و اصول رهبری شیعه در سازمان وکالت ندارد، هیچ‌الگویی را ارائه نداده و صرفاً به بررسی تاریخی موضوع پرداخته است.

بررسی ابعاد مختلف سازمان وکالت در محافل آموزشی دانشگاهی و حوزوی نیز مورد توجه است و پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه و یا مقالات علمی صورت گرفته است. شیما جلالی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان نقش اقتصادی سازمان وکالت امامان شیعه علیهم‌السلام بر گسترش تشیع، نسبت میان کارکرد اقتصادی سازمان وکالت و گسترش تشیع را بررسی کرده است. مجید اکبری (۱۳۹۵) موضوع پژوهش خود را خاص‌تر کرده و به واکنش اعضای سازمان وکالت نسبت به چالش‌های عصر غیبت پرداخته است. مهدی پاکیزه (۱۳۹۲) نیز نقش سازمان در پشتیبان سازمان وکالت را مورد بررسی قرار داده است. در میان مقالات علمی به دو مورد که ارتباط موضوعی بیشتری دارند اشاره می‌شود. صفری فروشانی و قاضی خانی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی مدیریت تعارض در سازمان وکالت» به این نتیجه رسیده‌اند که ساختار رهبری سازمان وکالت به گونه‌ای بوده که از بسترهای بروز تعارض و تنش جلوگیری می‌شده و در صورت بروز تنش یا چالشی در میان اعضای سازمان، امامان شیعه با بهره‌گیری از راه‌های مناسب، سازمان را از خطرهای احتمالی حفظ کرده‌اند. صبوریان و جمال زاده (۱۴۰۳) نیز در مقاله «سنجش نهادمندی رهبری شیعه در سازمان وکالت» با ارائه پنج معیار پوشیدگی، تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام، در پی ارزیابی حرکت سازمان وکالت به سمت نهادمحوری به جای فردمحوری بوده‌اند. تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیش‌گفته این است که تمرکز بر استخراج الگوی رهبری شیعه در قالب سازمان وکالت است و همان‌گونه که در مسئله پژوهش بیان شد این الگو بر شئون، اصول و راهبردهای رهبری شیعه در سازمان وکالت متکی است و الگویی از رهبری مشارکتی از آن قابل تحلیل است.

مبانی نظری پژوهش

باتوجه به نظری بودن تحقیق و همچنین ماهیت مسئله مورد تحقیق، روش تاریخی برای تحلیل داده‌های تحقیق استفاده می‌شود. در روش تاریخی بر موضوعی معین که در گذشته و در یک مقطع زمانی مشخص اتفاق افتاده، تمرکز می‌شود. از آنجاکه در فاصله دو زمان مشخص در گذشته، رویدادهایی به وقوع پیوسته، بنابراین تلاش محقق در روش تاریخی بر آن است که حقایق گذشته را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به صورتی منظم و عینی ارائه کند. (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۵: ۶۶) روش تحقیق تاریخی، با وجود ارزش بالایی که در فهم گذشته دارد، با محدودیت‌هایی مواجه است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

۱- کمبود اسناد و منابع دست اول:

یکی از چالش‌های اساسی در تحقیق تاریخی، نبود یا کمبود منابع اولیه معتبر است. بسیاری از وقایع گذشته به دلیل از بین رفتن اسناد، عدم ثبت دقیق یا نابودی در طول زمان، بدون شواهد کافی باقی مانده‌اند. این کمبود می‌تواند منجر به تفسیرهای ناقص یا نادرست از تاریخ شود. به عنوان مثال، برخی از فرهنگ‌ها یا دوره‌های تاریخی ممکن است اسناد محدودی داشته باشند که این امر باعث می‌شود فهم کاملی از آن‌ها دشوار باشد. (Delfem & Dove, 2013: 561)

۲- سوگیری در گزارش‌های تاریخی:

حتی در صورت وجود منابع دست اول، امکان دارد این اسناد دارای سوگیری باشند. نویسندگان و شاهدان عینی ممکن است به دلیل باورها، منافع شخصی یا محدودیت‌های فرهنگی، وقایع را به صورت جانبدارانه ثبت کرده باشند. این سوگیری‌ها می‌تواند به تحریف واقعیت‌ها منجر شوند. (Adjepong, 2015: 10)

با توجه به محدودیت مذکور در پژوهش‌های تاریخی، خصوصاً در مورد حوادث قرون اولیه اسلامی، نویسندگان تلاش کرده‌اند حتی المقدور اصلی‌ترین منابع تاریخی را در نقل حوادث و توصیف احوال اشخاص به کار گیرند و با بررسی چندین منبع و ارزیابی آن‌ها با پژوهش‌های

معاصر، سوگیری‌ها و جهت‌گیری‌ها را حذف کنند. از این‌رو داده‌های این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و از منابع تاریخی همچون اسناد، تراجم، کتب رجالی و حدیثی و پژوهش‌های درجه دوم درباره سازمان و کالت گردآوری شده است.

مبنای نظری و چهارچوب تحلیلی پژوهش

برای بررسی الگوی رهبری شیعه در قالب سازمان و کالت ضروری است به دو مسئله توجه شود. اولی دوره‌های رهبری شیعه و تمایزاتی که هر یک با همدیگر دارند و دومی تحلیل الگوی رهبری شیعه در هر یک از دوره‌های حضور ائمه اطهار علیهم السلام است. از این‌رو در این پژوهش بررسی دوره‌های رهبری شیعه در طول تاریخ امامت تا پیش از غیبت کبری به عنوان مبنای نظری پژوهش بیان می‌شود و برای تحلیل الگوی رهبری شیعه از نظریه رهبری مشارکتی استفاده می‌شود که هر یک به طور جداگانه در ادامه می‌آید:

۱. دوره‌های رهبری شیعه

رهبری شیعه در طول تاریخ امامت تا پیش از غیبت کبری را می‌توان از جهات مختلف به دوره‌های گوناگون تقسیم کرد. تقسیم‌بندی مشهور آن است که رهبری شیعه را از جهت حضور یا عدم حضور امام، به دو دوره حضور امام و غیبت امام تقسیم می‌کنند. اما این تقسیم‌بندی کلی برای تحلیل تحولات رهبری شیعه در دوره امامت کفایت نمی‌کند و ضرورت بررسی معیارهای دیگر در تقسیم‌بندی دوره‌های رهبری شیعه در طول تاریخ امامت همچنان باقی است. سید علی حسینی خامنه‌ای دوره‌های رهبری شیعه را از جهت «موضع‌گیری در برابر قدرت‌های سیاسی زمانه»، به چهار دوره تقسیم می‌کند: دوره سکوت و همکاری، دوره به‌قدرت‌رسیدن امام، دوره بازپس‌گیری حاکمیت، دوره بازایی درونی شیعه. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۶۴) شرح این چهار دوره که به‌نوعی مبنای نظری پژوهش حاضر نیز مبتنی بر آن است به شرح زیر است:

۱-۱. دوره سکوت و همکاری

اولین دوره رهبری شیعه دوره سکوت یا همکاری امام با قدرت‌های حاکم است. مهم‌ترین دلیلی که برای این اقدام از سوی امام بیان می‌شود این است که جامعه تازه قوام‌یافته اسلامی با

وجود دشمنان قدرتمند آن دوران، و با وجود عناصر و افراد تازه مسلمانی که هنوز ایمان در آنها راسخ نشده است، نمی‌توانست در برابر دودستگی و اختلاف ایستادگی کند. چه آنکه کمترین رخنه و ضربه‌ای در قامت این جامعه می‌تواند اصل و اساس آن را تهدید کند و به ویرانی بکشانند. (جعفری، ۱۳۸۷: ۷۷) دوره سکوت و همکاری دستگاه امامت با خلفا بیست و پنج سال به طول می‌انجامد و در این مدت امیرالمؤمنین به طرق مختلفی به همکاری و جهت‌دهی سیاست‌های خلفا اقدام می‌کرد. گزارش‌های تاریخی از مدت ۲۵ سالی که امیرالمؤمنین علی در این دوره سپری کرد، دلالت بر دخالت فعالانه و کمک و حمایت و هدایت خلفا دارد که کاملاً از روی دلسوزی نسبت به اسلام و جامعه اسلامی صورت می‌گرفت (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۱۸۸)، تا جایی که خلیفه دوم بارها این حقیقت را به زبان آورده بود که «اگر علی نمی‌بود، قطعاً هلاک می‌شدم» (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ ق: ۱۱۰۴)

۱-۲. دوره به قدرت رسیدن امام

این دوره از نظر مدت زمانی حدود پنج سال به طول انجامید؛ دوره‌ای که در آن با اقبال مردم به‌سوی امیرالمؤمنین و امام حسن مجتبی، امامت و خلافت در یک شخص جمع شد. امیرالمؤمنین پس از یک دوره بازگشت به سنت‌های اشرافی و جاهلی و برخی انحراف‌ها از اصول قرآنی و سنت نبوی، تبعیض و رفاه زندگی، به خلافت رسید. از این رو ایشان ناگزیر به ایجاد تغییرات بنیادی و اصلاح واقعی ساختار نظام خلافت اسلامی بود. (منتظر القائم: ۱۳۸۹: ۶۲)

۱-۳. دوره بازپس‌گیری حاکمیت

این دوره ۲۰ سال به طول انجامید و فاصله میان صلح و متارکه امام حسن مجتبی (۴۱ هجری قمری) تا شهادت امام حسین (۶۱ هجری قمری) است که تمرکز و تلاش دستگاه امامت بر بازپس‌گیری حاکمیت اسلامی است.

۴-۱. دوره بازیابی درونی شیعه

چهارمین دوره رهبری شیعه که طولانی‌ترین دوره است پس از شهادت امام حسین آغاز شد. در این دوره تمرکز اصلی رهبری شیعه بازیابی درونی شیعه بود تا بتواند در موقعیت مناسب هدف اصلی دستگاه امامت که تشکیل حکومت اسلامی بود را محقق کند. این دوره «در زمانی نزدیک

به دو قرن، و با پیروزی‌ها و شکست‌هایی در مراحل گوناگون، و همراه با پیروزی قاطع در زمینه کار ایدئولوژیک، و آمیخته با صدها تاکتیک مناسب زمان، و مزین با هزاران جلوه از اخلاص و فداکاری و نمودارهای عظمت انسان طراز اسلام^۱ واقع شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۹).

در تمام دوران بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام تا پایان غیبت صغری، شیعیان وابسته به اهل بیت همیشه بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن دستگاه‌های خلافت به حساب می‌آمد. در طول این مدت چندین بار قیام و مبارزه جریان شیعه که به نهضت علوی شهرت داشت، به پیروزی‌های نزدیک می‌شد اما به دلیل بروز برخی موانع، پیروزی نهایی برای سرنگونی دستگاه خلافت و تشکیل حکومت اسلامی با محوریت امام معصوم محقق نمی‌شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۶۶ و ۶۷) در این دوره رهبری شیعه متوجه خلأ بزرگی در درون نیروهای خودی شد و اقدام نیمه مخفی دوره سوم را با جدیت بیشتری دنبال کرد و در نتیجه به دنبال یک تشکیلات پنهان رفت. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۳۵) راه‌اندازی تشکیلات شیعی پنهان در قالب وکلای اهل بیت، راهبردی بود که باتوجه به تجربه‌های گذشته، وضعیت عمومی آن زمان و آینده‌نگری جهان اسلام گرفته شده بود و در طول این دوره، اهتمام اصلی اهل بیت بر سامان‌بخشی به قوای داخلی شیعه بود و رهبری شیعه را از طریق همین سازمان انجام می‌داد.

دوره‌های چهارگانه رهبری شیعه در طول امامت اهل بیت در جدول زیر به نمایش درآمده است.

جدول ۱. دوره‌های چهارگانه رهبری شیعه (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۸)

عنوان دوره	امامت دوره	راهبرد اصلی دوره
دوره اول: سکوت و همراهی	امام علی	دخالت فعالانه و کمک، حمایت، هدایت خلفا
دوره دوم: به قدرت رسیدن امام	امام علی و امام حسن	اصلاح اساسی جامعه اسلامی و ایجاد حکومت الگو
دوره سوم: بازپس‌گیری حاکمیت	امام حسن و امام حسین	بازگرداندن قدرت به اهل بیت
دوره چهارم: بازیابی درونی شیعه	امام سجاد تا پایان غیبت صغری	راه‌اندازی تشکیلات پنهان شیعی برای بازیابی درونی

۲. نظریه رهبری مشارکتی

رهبری^۱، گونه‌ای از مدیریت است که در آن شخص رهبر از طریق فرآیند نفوذ اجتماعی و با جلب مشارکت داوطلبانه و اثربخش افراد، تلاش می‌کند تا به اهداف سازمانی دست یابد (فرهنگی، ۱۳۹۵: ۲۵). در میان الگوها و سبک‌های مختلف رهبری، یکی از مدل‌هایی که توجه فراوانی به خود جلب کرده و مبنای تغییرات اساسی در شیوه رهبری و مدیریت سازمان‌ها شده است، رهبری مشارکتی است (Yukl, 2012: 15). رهبری مشارکتی با عناوین مختلفی مانند رهبری توزیع‌شده، رهبری جمعی و رهبری همکارانه در تحقیقات علمی مورد استفاده قرار گرفته است (Northouse, 2018, : 220; Avolio et al., 2009: 420). در رهبری مشارکتی، اعضای گروه یا سازمان به‌طور فعال در فرآیند تصمیم‌گیری و اعمال تصمیمات نقش دارند و به‌جای آنکه صرفاً دستورات را اجرا کنند، در فرآیند تحقق اهداف به‌عنوان رهبران کوچک عمل می‌کنند (Chiung, 2013: 58). این نوع رهبری با ارائه یک فرآیند تعاملی پویا، به گونه‌ای است که هر عضو بر دیگر اعضا برای رسیدن به اهداف و چشم‌اندازهای گروه اثر می‌گذارد و همکاری و تعامل میان اعضا برای تحقق اهداف سازمانی ضروری است (Yukl, 2012: 16). به خلاف رهبری سنتی که بر اساس یک ساختار سلسله‌مراتبی و توسط یک فرد در بالاترین رده در سازمان اعمال می‌شود، در رهبری مشارکتی، فرآیند رهبری از طریق تقسیم قدرت و مسئولیت‌ها بین اعضای گروه یا سازمان انجام می‌شود (White & Smith, 2010: 105). در رهبری مشارکتی، نقش‌های رهبری، مسئولیت‌ها و تعهدات بین اعضای سازمان به اشتراک گذاشته می‌شود و هر عضو خود را رهبر تلقی می‌کند و به ایفای نقش محول شده می‌پردازد (Lam et al., 2015: 211). هدف از این رویکرد آن است که احساس تعلق و مالکیت اعضا نسبت به سازمان تقویت شود، که در نتیجه موجب افزایش بهره‌وری سازمان می‌شود (Wang et al., 2022: 5). همچنین، این نوع رهبری از اعضای سازمان انتظار دارد که نه تنها در اجرای تصمیمات دخیل باشند، بلکه در فرآیند تصمیم‌گیری نیز مشارکت کنند و از اختیارات خود برای رسیدن به اهداف مشترک استفاده کنند (Lam et al., 2015: 215). رهبری مشارکتی اساساً شامل سه اصل کلیدی است که هر چه در یک سازمان بیشتر پیاده‌سازی شود، رهبری مشارکتی عمیق‌تر خواهد بود: اصل حمایت متقابل،

اصل تصمیم‌گیری گروهی و اصل اهداف بزرگ (Likert, 1961: 45). این اصول در واقع به تقویت مشارکت در رهبری سازمان کمک می‌کنند و پیاده‌سازی آن‌ها ارتباط مستقیمی با افزایش میزان مشارکت اعضای سازمان در فرآیند رهبری دارد (Ibid, 47).

در این پژوهش برای رسیدن به الگوی رهبری شیعه در سازمان وکالت، از نظریه رهبری مشارکتی بهره‌گیری خواهد شد تا مجموع راهبردها، شئون و اصول رهبری شیعه در سازمان وکالت در نسبت با الگوی رهبری مشارکتی سنجیده شود.

یافته‌های پژوهش

از مجموع بررسی‌های تاریخی که درباره سازمان وکالت اهل‌بیت علیهم السلام صورت گرفت، گزاره‌ها و یا روایت‌هایی که در نسبت با الگوی رهبری شیعه در سازمان وکالت بوده مورد انتخاب قرار گرفت و برای اینکه بتوان به این گزاره‌ها نظم منطقی داد، بر اساس مبنای نظری پژوهش در سه دسته راهبردها، شئون و اصول رهبری شیعه در سازمان وکالت دسته‌بندی و تحلیل شد. انتخاب این سه دسته یعنی راهبردها، شئون و اصول به این دلیل بوده است که دستگاه امامت در پیشبرد اهداف خود در هر دوره‌ای راهبردهایی داشته و راهبرد دوره چهارم امامت بازاریابی درونی شیعه بوده است و از آنجا که این دوره طولانی‌ترین دوره بوده است خود دارای راهبردهای جزئی‌تری بوده است. علاوه بر این شئون و جایگاه‌هایی که امام در رهبری شیعیان داشته نیز در سازمان توزیع شده است. این از این رو شئون رهبری در سازمان وکالت نیز اهمیت می‌یابد. و در آخر به دلیل ماهیت مخفی سازمان وکالت، بررسی اصول رهبری شیعه در این سازمان موضوعیت می‌یابد. بنابراین یافته‌های پژوهش در این سه دسته ارائه می‌شود.

۱. راهبردهای رهبری در سازمان وکالت

سازمان وکالت برای رهبری شیعه از راهبردهایی بهره‌برده که سازمان‌یافتگی و نهادمندی را در این سازمان تقویت می‌کرد. این راهبردها متخذ از آموزه‌های سیاسی اجتماعی اهل‌بیت بوده و مبنای عمل سازمان وکالت بوده است و کمک شایانی می‌کرده تا مسیر فعالیت سازمان وکالت

تغییر نکند. به طور خلاصه می‌توان راهبردهای رهبری سازمان وکالت را در سه مورد جای داد: مدیریت نیروی اجتماعی شیعه، پرورش تشکیلاتی شیعه، گذار شیعه به دوره غیبت.

۱-۱. مدیریت نیروی اجتماعی شیعه

مهم‌ترین کارکرد سازمان وکالت در این رابطه جهت‌دهی به نیروهای اجتماعی بوده است. با توجه به التهابات سیاسی اجتماعی موجود در آن دوران حفظ و جهت‌دهی به بدنه طرفدار از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و اهل بیت از طریق سازمان وکالت اقدام به این کار می‌کردند. از سوی دیگر حفظ مؤلفه‌های هویتی شیعه در آن دوران بسیار اهمیت داشته است، چه آنکه در همان دوران، قیام‌های متعددی شکل گرفته بود و اگر شیعه از نظر هویتی و تشکیلاتی قوی عمل نمی‌کرد، نیروهای خود را از دست می‌داد و از سوی جریان‌های رقیب همچون زیدیه، اسماعیلیه و غالیان جذب می‌شدند و این مهم نیز به عهده سازمان وکالت بوده است. (جباری، ۱۳۸۲: ۵۱ - ۵۳) سازمان وکالت ارتباط شیعیان را با امام به عنوان یک کارکرد اجتماعی برقرار می‌کرد. به دلیل اینکه شیعیان از حیث جغرافیایی پراکنده بوده و امکان سفر یا حضور نزد امام برای همه آن‌ها مسیر نبود، از این طریق مسیر پاسخ‌گویی امام به مسائل آنان فراهم می‌شد.^۱ به عنوان نمونه روایات متعددی که از سوی امام صادق در خصوص در نظر گرفتن راهبردهای مبارزاتی همچون تقیه و کتمان سر در ابعاد عملی، از طریق سازمان وکلا به بدنه شیعیان منتقل شده است. (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۸۹)

علاوه بر این سازمان وکالت به جایگاهی از مرجعیت فرهنگی اجتماعی میان شیعیان رسیده بود که مجرای برای انتقال حقانیت سلسله امامت به نسل بعد بود. به عنوان نمونه امام جواد به وکیل

۱. در زمینه مسائل فقهی برای نمونه بنگرید به امام حسن عسکری به محمدبن صالح خثعمی (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۴۲۸)، پاسخ‌های امام رضا به سؤالات فقهی (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۳۵۵ - ۳۵۷) پاسخ امام کاظم و امام هادی به جواز سجده بر شیشه (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۳۰۴؛ اربلی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۲۴۵)، در زمینه مسائل کلامی رجوع شود به توقیع حضرت حجت (عج) در پاسخ به سؤال قمی‌ها از عقیده به تفویض خلق و رزق به ائمه (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۴۷۱)، توقیع امام حسن عسکری در بیان فضیلت ولایت اهل بیت (اربلی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۳۰۰). در زمینه مسائل تفسیری و حدیثی و سایر مسائل دینی رجوع شود به پاسخ امام حسن عسکری به سؤال محمد به دریاب رقاسی از معنای مشکوٰه (اربلی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۳۰۱)، سؤال از تفسیر ولیجه و پاسخ امام حسن عسکری (کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۰۸)، مواظظ اخلاقی و کلمات انتقادی امام حسن عسکری در توقیع به اهالی نیشابور (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۷۵).

خود، محمد بن فرج، درباره جانشینی فرزندش امام هادی وصیت می‌کند تا او بتواند از طریق بدنه تشکیلاتی سازمان وکالت به دیگران نیز منتقل کند. (حسین، ۱۳۷۷: ۱۳۵)

۲-۱. پرورش تشکیلاتی شیعه

یکی از مهم‌ترین راهبردهای سازمان وکالت این بوده که شیعیان به صورت تشکیلاتی پرورش پیدا کنند. عمده تلاش امام صادق معطوف به پرورش اصحابی بود که از نظر فقهی و روایی از بنیان‌گذاران این علوم به‌شمار می‌آیند. تلاش‌های سیاسی امام در برابر قدرت حاکمه در آن وضعیت، در محدوده نارضایتی از حکومت موجود، عدم مشروعیت آن و ادعای امامت و رهبری اسلام در خانواده رسول خدا (ص) بود. از نظر امام صادق تعرض نظامی علیه حاکمیت، بدون فراهم آوردن مقدمات لازم که مهم‌ترینش کار تربیتی و فرهنگی بود، جز شکست و نابودی نتیجه دیگری نداشت. برای این کار راه‌انداختن یک جریان شیعی فراگیر با اعتقاد به امامت، لازم بود تا بر اساس آن قیامی علیه حاکمیت آغاز و حصول به پیروزی از آن ممکن باشد وگرنه یک اقدام ساده و شتاب‌زده نه تنها دوام نمی‌آورد؛ بلکه فرصت‌طلبان از آن بهره‌برداری می‌کردند. (جعفریان، ۱۳۹۱: ۳۸۷)

این خواسته ائمه بعد از ایشان نیز بوده و به همین منظور بیشتر وقت خود را به سازمان وکالت و رسیدگی امور آن اختصاص می‌دادند و سازمان وکالت مهم‌ترین شبکه انسانی برای پیشبرد چنین اقدامی بوده است. پرورش تشکیلاتی شیعه در دوره‌ای که از نظر جمعیتی در اقلیت هستند ضروری‌ترین اقدام به نظر می‌رسیده است. از این رو همواره در دستور کار سازمان وکالت بوده است و از طریق این راهبرد اقدام به پرورش نیرو برای دستگاه امامت می‌کرده است. (حسین، ۱۳۷۷: ۱۰۸)

۳-۱. گذار شیعه به دوره غیبت

با نزدیک شدن به عصر غیبت، راه ارتباط مستقیم شیعه با امام نیز محدودتر می‌شد و نهاد وکالت نیز تقویت می‌شد تا جایی که در عصر امام هادی و امام حسن عسکری غالب امور شیعه از راه مکاتبه و از طریق وکلا و نمایندگان صورت می‌گرفت. از این رو می‌توان گفت حداقل در عصر امام هادی و امام حسن عسکری تقویت نهاد وکالت به‌خاطر تمهید و زمینه‌چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده است. (حیدری نیک، ۱۳۹۳: ۲۰۳). حواله شیعیان در امور شرعی به وکلا از سوی امامین عسکریین، در کنار سایر اهداف، به‌منظور آشناسازی شیعیان با شرایطی بود که شیعیان

از سال ۲۶۰ هجری با آن مواجه می‌شدند؛ یعنی فقدان امام حاضر و امکان ارتباط با او، تنها از طریق سفرا و وکلایش. از این رو، نقش کارگزاران سازمان وکالت در آستانه عصر غیبت، نقشی تمهیدی برای آشناسازی شیعه به شرایط دوران آینده بود.

در اجرای همین برنامه بود که امام هادی و امام عسکری، وکیل برجسته خود، احمد بن اسحاق قمی، را هنگامی که دسترسی به امام ندارد به وکیل ارشد خود عثمان بن سعید عمری احاله نمودند. ترویج روش مکاتبه‌ای برای ارتباط با امام در این عصر نیز به همین منظور صورت گرفته است. (جباری، ۱۳۸۲: ۳۳۱) بررسی آمار نامه‌ها و توقیعات عصر عسکریین علیهما السلام در مقایسه با اعصار ائمه قبل نشان‌دهنده سیر صعودی قابل توجهی است. (جباری، ۱۳۸۲: ۳۳۲)

۲. شئون رهبری در سازمان وکالت

۲-۱. تقسیم مسئولیت‌های اجتماعی امام

مهم‌ترین شأن رهبری سازمان وکالت این بود که مسئولیت‌های اجتماعی امام در این سازمان تقسیم شده بود. با مطالعه کارکرد سازمان وکالت می‌توان گفت برخی از مسئولیت‌های اجتماعی که امام نسبت به شیعیان دارد به عنوان وظایف این سازمان نمود پیدا کرده است. اصلی‌ترین وظیفه وکلای سازمان جمع‌آوری خمس، زکات، نذور و هدایای شیعیان و ارسال آن برای امام بوده است. موارد مصرف این وجوهات عبارت بودند از: کمک به شیعیان، تقویت جریان مبارزه علیه خلافت عباسی و تأمین مالی نهاد امامت و دستگیری از نیازمندان شیعیان. علاوه بر این‌ها، سازمان در اداره موقوفات شیعیان نیز نقش فعالی داشته است. (جباری، ۱۳۸۲: ۲۹۵)

برخی از اعضای برجسته سازمان وکالت با اجازه امام به وظیفه پاسخگویی به سؤالات و شبهات شیعیان و ایفای نقش علمی اقدام می‌کردند. (صدر، ۱۳۶۲: ۴۸۳) به عنوان نمونه عبدالرحمن بن حجاج، وکیل ارشد امام صادق در عراق، به مناظره با مخالفان می‌پرداخت (کشی، ۱۴۰۹ق: ۴۴۲) و یاحسین بن روح، یکی از سفرای چهارگانه امام زمان در فضیلت حضرت زهرا به مناقشه با مخالفان می‌پرداخت. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۸۸)

یکی از کارکردهای اجتماعی سازمان وکالت این بوده است که از طریق منابع مالی که در اختیار وکلا قرار دارد به مشکلات شیعیان رسیدگی شود و اگر در جایی اختلافی میان آن‌ها به

وجود آمد از همین منابع برای برطرف کردن اختلافات استفاده شود. در زمان امام صادق، ابوحنیفه سعید بن بیان با دامادش درباره ارث اختلاف پیدا کردند. مفضل بن عمر، کارگزار امام صادق، با پرداخت چهارصد درهم این مسئله را میان آنها برطرف کرد و به آنها گفت: «این مال شخصی من نیست. امام صادق به من امر کرده هرگاه دو نفر از اصحاب در چیزی اختلاف کردند، بین آنها صلح برقرار کن و مالم را در این راه بده» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۰۹) دستگیری از نیازمندان شیعه نیز توسط وکلای امام صورت می‌گرفته است. به عنوان نمونه محمد بن عیسی اسدی از سوی امام رضا مأمور می‌شود تا حج به جا آورد و کمک‌های مالی را به مستمندان مدینه برساند (مامقانی، بی تا، ج ۳: ۱۶۸).

مهم‌ترین نکته در خصوص رهبری سازمان وکالت در موارد پیش گفته این است که این شیوه عمل توسط شیعیان پذیرفته شده بود و سازمان وکالت به عنوان مجرای ارتباطی با امام و رفع نیازهای اجتماعی از سوی آنها به کار گرفته می‌شد. این پذیرش دو اثر مهم در بدنه شیعیان داشته است؛ اول اینکه به تربیت تشکیلاتی شیعیان منجر می‌شد و دیگر اینکه با تبعیت از مجرای فراهم شده در سازمان وکالت، آماده ورود به عصر غیبت می‌شدند. (جباری، ۱۳۸۲: ۳۳۲)

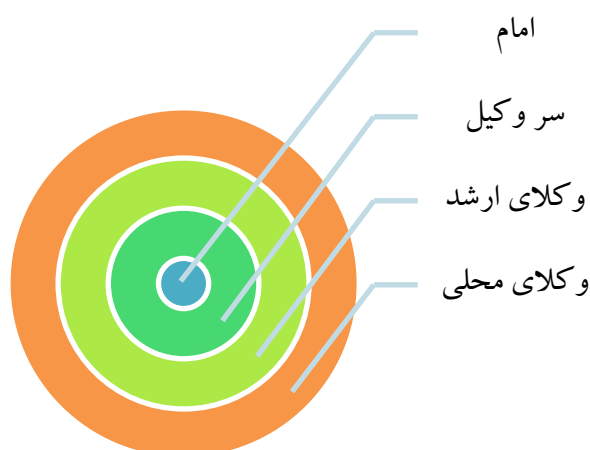
۲-۲. دفاع چندلایه‌ای از شیعیان و نهاد امامت

یکی از اهداف راه‌اندازی سازمان وکالت آن بوده که مراجعات مستقیم شیعیان به اهل بیت به حداقل ممکن کاهش پیدا کند تا ضریب امنیتی بیشتری هم برای شیعیان و هم برای اهل بیت به دست آید. اهل بیت در دوره چهارم امامت یا همواره زیر نظارت شدید دستگاه خلافت بودند و یا در زندان و حبس به سر می‌بردند. از این رو شیعیان به زحمت می‌توانستند با امام خود دیدار داشته باشند و نیازهای دینی خود را برطرف کنند. (جباری، ۱۳۸۲: ۳۲۹) به همین دلیل دفاع چندلایه‌ای از نهاد امامت در دستور کار سازمان وکالت قرار داشت و جزو شئون رهبری شیعه در این سازمان بود.

در زمان حضور ائمه اطهار این شأن به گونه‌ای خاص اعمال می‌شد و در دوره غیبت صغری به گونه دیگری انجام می‌شد. در عصر حضور اهل بیت تأکید بر آن بود که ارجاعات مالی و دینی شیعیان از طریق وکلا صورت پذیرد تا حساسیت جاسوسان حکومتی برانگیخته نشود (علی، ۱۴۰۲: ۸۷). در عصر غیبت صغری یکی از مهم‌ترین وظایف سفرای امام زمان این بود که از سویی شیعیان را از وجود حضرت مهدی و حیات و امامتش آگاه سازند، و از طرف دیگر آن‌ها را نسبت به خطر افشای این عقیده و حتی بردن نام ایشان به طور مستقیم هشدار دهند. به گونه‌ای که به جای بردن نام ایشان، از کلمه رمز ناحیه مقدسه استفاده می‌شد. (جباری، ۱۳۸۲: ۳۳۰) نائبان امام زمان چنان در مخفی کردن نام و نشان امام موفق عمل کرده بودند که دستگاه خلافت عباسی تصور می‌کرد سلسله امامت پایان یافته است. (حسین، ۱۳۷۷: ۱۳۹) نفوذ در دستگاه حاکمیتی خلیفه عباسی از دیگر اقدامات مبارزاتی اعضای سازمان بوده است. از علی بن یقطین و حسین بن روح به عنوان افرادی نام برده می‌شود که با نفوذ در دستگاه حکومت به احقاق حق شیعیان و دفاع از آن‌ها مبادرت می‌ورزیدند. (حسین، ۱۳۷۷: ۱۹۵؛ جعفریان، ۱۳۹۱: ۴۰۷) علاوه بر این، مدیریت قیام‌های مورد تأیید نهاد امامت نیز به عهده وکلا بوده است. یحیی بن ابی عمران، به عنوان وکیل برجسته امام جواد در قم، در قیام مردم آن منطقه حضور داشت و تا زمان شهادتش مورد تأیید امام جواد بود. (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۳۹۷)

دفاع چندلایه‌ای سازمان وکالت از نهاد امامت با توجه به ساختار سازمان وکالت بیشتر مشخص می‌شود. در ساختار این سازمان پس از امام، سروکیل حضور دارد که به نوعی جانشین امام در سازمان وکالت محسوب می‌شود. پس از او وکلای ارشد قرار دارند که در نواحی مختلف مستقر بودند. این وکلا به عنوان چشم امام در آن منطقه حضور داشته و مدام اخبار و اطلاعات لازم را به لایه بالاتر یا به امام منتقل می‌کردند. (اکبری مقدم، ۱۳۹۳: ۵۲) ضمن اینکه با شیعیان مناطق مختلف نیز ارتباط داشته و در صورت لزوم می‌توانستند از توان آن‌ها استفاده کنند. بعد از این لایه، وکلای محلی قرار دارند که تعداد بیشتری را شامل می‌شود و با بدنه بیشتری از شیعیان در ارتباط بودند. این وکلا نیز در موقع لزوم می‌توانستند برای دفاع از نهاد امامت و یا شیعیان اقداماتی انجام

بدهند؛ بنابراین دفاع چندلایه‌ای از نهاد امامت و شیعیان از شئون رهبری در سازمان وکالت بوده است و همواره در دستور کار وکلای این سازمان قرار داشته است. ساختار سازمان وکالت بر اساس شأن دفاعی آن از نهاد امامت را می‌توان مطابق شکل زیر به تصویر کشید.



شکل ۱: ساختار سازمان وکالت بر اساس شأن دفاعی آن

۳-۲. جلوگیری از انحرافات تشکیلاتی

یک از شئون رهبری سازمان وکالت، حراست شیعه از بروز انحرافات تشکیلاتی بوده است. باتوجه به ضرورت فعالیت هدفمند و تشکیلاتی در آن دوران، سازمان وکالت در رأس، نسبت به بروز و ظهور و تسری انحرافات در بدنه سازمان مسئولیت داشته است و جزو شئون رهبری او نسبت به شیعه محسوب می‌شود. به جهت ماهیت انسانی تشکیلات شیعه و شرایط خاص آن دوران و جریان‌های رقیب موجود همچون سازمان دعوت عباسی، فرقه‌های شیعه، غالیان و ... بروز انحرافات تشکیلاتی در سازمان وکالت امری طبیعی به نظر می‌رسد؛ ولی شیوه مواجهه رهبری سازمان با این انحرافات اهمیت زیادی از جهت بقای سازمان و حفظ توان تشکیلاتی آن دارد (جباری، ۱۳۸۲: ۱۹۷ - ۱۸۷).

سازمان وکالت همچون هر جمعیت و تشکل انسانی دیگر، از انحراف در امان نبود. با مطالعه تاریخچه سازمان، چهار دسته انحراف برای آن بروز داده است که عبارت‌اند از انحراف مالی، فکری، اخلاقی و سیاسی. در ادامه به بررسی هر یک از این انحرافات و شیوه مواجهه سازمان با آن پرداخته می‌شود تا بتوان شأن رهبری سازمان در این حیطه را تبیین کرد.

۲-۳-۱. انحراف مالی

جمع‌آوری وجوہات مالی شیعه از اصلی‌ترین نقش‌های سازمان بود و مبالغ آن در برخی مواقع زیاد بود. از دیگر سو پراکندگی جغرافیایی وکلای سازمان موجب می‌شد این وجوه مدت زیادی در دست آن‌ها باقی بماند و همین امر سبب تحریک حس دنیاطلبی و مال‌دوستی برخی از آنان می‌شد و اقدام به سرقت یا اختلاس این اموال می‌کردند. برخی از واقفیه با هدف تصاحب اموالی که در اختیارشان بود، امامت امام رضا علیه‌السلام را انکار کرده و در امامت امام کاظم توقف کردند. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۶۳-۶۴ و ۳۵۲) به عنوان نمونه پس از شهادت امام هفتم، ۷۰ هزار دینار در اختیار زیاد بن مروان قندی و ۳۰ هزار دینار در اختیار علی بن ابی‌حمزه باقی مانده بود. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۶۴) همچنین عثمان بن عیسی الرواسی ۳۰ هزار دینار و پنج کنیز و منزل امام در مصر را در اختیار داشت. علیرغم اینکه امام رضا از آن‌ها خواست تا اموال را به او برگردانند؛ علی بن ابی‌حمزه و زیاد بن مروان حضرت را انکار کردند و عثمان بن عیسی به امام نامه نوشت که امام کاظم از دنیا نرفته و قائم است. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۶۴ و ۶۵) به روایتی دیگر علی بن حمزه که محل فعالیتش در کوفه بود، هزار درهم از اموال امام هفتم را مصادره کرده بود. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۴۰۵ - ۴۰۳؛ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱۳)

۲-۳-۲. انحراف فکری

اساساً انحراف فکری در سازمانی رخ می‌دهد که دارای اهداف فرهنگی و اعتقادی باشد. ازاین‌رو در سازمان وکالت، اعتقادات مخالف با آموزه‌های امام، انحراف فکری قلمداد می‌شد. در برخی موارد وکلا به علت داشتن افکار غلوآمیز و باطل به تدریج در مسیر مخالفت با ائمه قرار می‌گرفتند. برخی از سران واقفیه، به خاطر اعتقاد باطل و نشناختن مصداق صحیح مهدی دچار

انحراف شدند. (حسین، ۱۳۷۷: ۱۳۵؛ جعفریان، ۱۳۹۱: ۴) انحراف آن‌ها به حدی بود که تا مدت زیادی در این باره بحث کرده و حتی اقدام به نوشتن کتاب برای توجیه اعتقاد خود کردند. به عنوان نمونه حسن بن محمد بن سماعه کندی کتابی در مورد غیبت با رویکرد واقفی نوشت. (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۷-۳۸). از دیگر کسانی که اقدام به این کار کردند، حسن بن علی بن ابی حمزه بود. (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۰-۴۱؛ کشی، ۱۴۰۹ق: ۴۶۹). پیروان واقفیه دلایلی همچون عدم حضور امام رضا در مراسم تدفین پدر، نداشتن فرزند، عدم تقیه و اعلام امامت به صورت علنی، را برای امام نبودن امام رضا ذکر می‌کردند. البته با گذشت زمان، عده زیادی از آن‌ها جواب پرسش‌های خود را گرفته و امامت امام رضا را پذیرفتند. (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۷ق: ۴۷)

دسته دیگر منحرفین، مدعیان دروغین باییت بودند. محمد بن علی شلمغانی که روزگاری دستیار حسین بن نوح نوبختی، سومین نائب امام زمان در دوره غیبت صغری، بوده ادعای باییت کرد و عقایدی انحرافی مبنی بر حلول خداوند در اجساد پیامبران منتشر ساخت. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱: ۳۷۲) علاوه بر این، او مدعی شد که امیرالمؤمنین خداست و حضرت محمد را او به پیامبری فرستاده است! (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۷۸) همچنین احمد بن هلال عبرتائی، اصل نیابت سفیر دوم امام زمان را انکار کرد و خود مدعی باییت شد. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰: ۳۰۷)

۳-۳-۲. انحراف اخلاقی

برخی از وکلا به علت انحراف اخلاقی صلاحیت خود را از دست می‌دادند. حسادت بعضی از وکلا نسبت به همدیگر، گاهی اوقات سبب مخالفت با امام و کارشکنی می‌شد. به عنوان نمونه میان علی بن جعفر همانی و فارس بن حاتم قزوینی درگیری به وجود آمده بود، تا جایی که سبب حیرت و بدبینی شیعیان نسبت به سایر وکلا هم شده بود. امام هادی علیه‌السلام، با اقدام علیه فارس، به تدریج او را از سازمان حذف کرد و امور مربوطه را به علی بن جعفر سپرد. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۲۲-۵۲۸). یکی دیگر از جنبه‌های انحراف، فساد اخلاقی است. چنان‌که یکی از وکلای امام حسن عسکری که در منزل آن حضرت اقامت داشت، عملی غیراخلاقی انجام داد و امام او را از کار برکنار و اخراج کرد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۱۱) ائمه در هر مورد از انحرافات روش خاصی

برای ریشه کن کردن انحراف انتخاب می کرده اند. در برابر فساد اخلاقی، اخراج و برکناری فوری صورت می گرفته است اما در موارد انحراف فکری و مالی، در وهله اول وکیلی که گرفتار انحراف شده را دعوت به اصلاح کرده و در صورت اصرار بر انحراف خود، اقدام به طرد و برکناری می کردند. علاوه بر انحرافات درون سازمانی که ذکر آن گذشت، سازمان وکالت با مدعیان دروغین وکالت نیز روبه رو بود. مدعیان معمولاً برای دست درازی به وجوهات شرعی، اقدام به این کار می کردند. برخورد امام به عنوان رأس سازمان، تبری جستن از این افراد بود تا شیعیان از انگیزه آن مدعی آگاه شوند. (جباری، ۱۳۸۲: ۶۸۶)

۲-۳-۴. انحراف سیاسی

در موارد معدودی برخی از وکلا از نظر سیاسی منحرف می شدند؛ به این معنا که اعتقاد خود به امامت را از دست داده و به دستگاه خلافت گرایش پیدا می کردند. به عنوان نمونه هشام بن ابراهیم راشدی که وکیل امام رضا در مدینه بود، پس از آمدن به مرو، جذب دستگاه خلافت شد و حوادث و رفت و آمدهای خانه امام را به آن ها گزارش می داد. (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۵۳؛ مامقانی، بی تا، ج ۳: ۲۹۲) البته باید توجه داشت که نظارت مستقیم امام بر وکلای سازمان و توجه امام و شیعیان به تقیه و مخفی کاری، موجب شده بود انحراف سیاسی بسیار کم اتفاق بیفتد.

۳. اصول رهبری در سازمان وکالت

سازمان وکالت برای اینکه بتواند شئون رهبری خود را به خوبی انجام بدهد و مدیریت تشکیلات شیعی مبتنی بر وکالت را به طور کارآمد به انجام برساند، از اصولی پیروی می کرد که موجب شده بود این سازمان عمری به دازای ۲۳۰ سال داشته باشد. این اصول که برگرفته از معارف مکتب اهل بیت است، به پویایی و کارآمدی سازمان وکالت منجر شده بود. اصول رهبری سازمان وکالت در پنج عنوان قابل بحث است: تقیه، نصب مستقیم وکلا، نظارت بر وکلا، نظم و مدیریت امور، اطاعت محض از امام.

۱-۳. تقیه

سازمان وکالت امامیه، یک سازمان علنی نبود. چه آنکه شرایط سیاسی حاکم سبب می‌شد هرگونه فعالیت علنی آن‌ها با برخورد نظامی حاکمیت روبه‌رو شود. به همین دلیل، فعالیت پنهانی و تقیه به‌عنوان یک اصل در این سازمان مطرح بود. به تعبیر برخی، تقیه اظهار خلاف واقع هنگام خوف است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۱۹) برخی دیگر از اهل لغت، تقیه را به معنای پرهیز و خودداری از زیان دانسته‌اند (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۳۹۶) و برخی از آن تعبیر به اظهار صلح و آشتی ظاهری و دشمنی باطنی کرده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵: ۴۰۱)

برخی معتقدند که امام باقر تقیه را مطرح کرده و پیش از ایشان روایتی در این باره وجود ندارد. (جعفری، ۱۳۸۷: ۳۴۴) اما با بررسی روایات چنین به دست می‌آید که تقیه از سوی همه امامان شیعه مورد تأکید و توجه بوده است و همواره به‌عنوان یک اصل مبارزاتی و معیاری برای سنجش عملکرد اصحاب به آن توجه داده شده است. هرچند بیشتر روایات این باب از صادقین علیهماالسلام نقل شده است. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۱۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۲۰۲) در نتیجه، تقیه در اثر شرایط خاص زمانی هر یک از اهل بیت توصیه شده است. امام صادق در چند حدیث، تقیه را لازمه دین‌داری معرفی کرده است: «از دین خود بترس و آن را با تقیه محافظت کن، زیرا افرادی که تقیه نمی‌کنند، ایمان ندارند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۱۸). ایشان در روایت دیگری فرموده: «تقیه دین من و پدران من است و کسی که تقیه نکند، ایمان ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۱۹ و ۲۲۴) و به بیان دیگری فرموده است: «هر کس تقیه نکند، دین ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۱۷). ابن مسکان می‌گوید از امام صادق شنیدم که فرمود: «گروهی مرا امام خود می‌پندارند. به خدا قسم من پیشوای آنان نیستم. خدا آنان را لعنت کند که هر چه را من پرده‌پوشی می‌کنم آنان آشکار می‌کنند...». (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۷)

توصیه اکید امام بر تقیه، نشان از استفاده از آن به عنوان اصلی عملیاتی برای برای حفظ شیعه و امامت بوده است. از این رو رعایت این اصل در سازمان وکالت که سازمانی مخفی بود، ضروری‌تر می‌نماید. تا جایی که امام صادق، وکلایی که تقیه را رعایت نمی‌کردند، مورد عتاب قرار داده

است. معلی بن خنیس، از وکلای امام ششم، به دلیل اینکه علناً اقدام به جمع‌آوری وجوهات می‌کرد گرفتار شد و توسط دستگاه خلافت به قتل رسید. امام صادق علت این امر را عدم رعایت تقیه و توجه به تذکرات ایشان ذکر کرد. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۸۱؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۷؛ مامقانی، بی تا، ج ۳: ۲۳۰)

حفص بن نسیب روایت می‌کند: «در آن روزها که معلی بن خنیس کشته شده بود، نزد آن حضرت رفتم. امام به من فرمود: «ای حفص! من چیزهایی به معلی گفته بودم که او آن‌ها را منتشر کرد و خود را دم تیغ داد. من به او گفته بودم که ما را سخنی است که هر کس آن را ننگه دارد (از گفتن آن خودداری نماید)، خداوند نیز او را حفظ می‌کند و دین و دنیای او را از آسیب ننگه می‌دارد و هر کس آن را منتشر نماید، خداوند دین و دنیایش را از او می‌گیرد» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۸). این اتفاق باعث شد امام صادق نیز به اتهام جمع‌آوری خراج از طرف منصور عباسی فرا خوانده شود؛ ولی امام خراج بودن این اموال را انکار کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷: ۱۸۷)

این نمونه به‌خوبی نشان می‌دهد که عدم رعایت اصل تقیه چه تبعاتی برای سازمان و امام داشته است. فعالیت آشکار معلی سبب شد وی به اتهام جمع‌آوری کمک مالی برای محمد نفس زکیه، دستگیر و بهانه برای احضار امام نیز به منصور داده شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱: ۲۹۴)

درحالی‌که پنهان‌کاری، این حربه را از حاکمیت می‌گرفت؛ چنان که نصر بن قابوس لخمی، (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۷) بیست سال وکیل امام صادق بود و کسی بر این امر اطلاع نیافت.

با تلاش ائمه اطهار کم‌کم این اصل در سازمان نهادینه شد و فعالیت‌ها کاملاً مخفی انجام می‌گرفت. سطح فعالیت‌های مخفی تا حدی بوده است که شیخ مفید برخی از وکلای اهل بیت همچون مفضل بن عمر را بطانه (رازدار) معرفی می‌کند. (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۱) وکلای اهل بیت برای مخفی کردن فعالیت‌های سازمانی خود به برخی مشاغل خاص روی آورده بودند و به عنوان پوشش از آن استفاده می‌کردند. عثمان بن سعید در زمان امام حسن عسکری اموال را در ظروف روغن حمل می‌کرد و تحویل امام می‌داد. (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۳۵۴؛ امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۴۷)

فرزندش محمد نیز که نائب دوم امام زمان بود به «سمّان» و «زّیّات» (روغن فروش) مشهور بود. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۵۴) همچنین دستیار وی، محمد بن احمد بن جعفر قمی، ملقب به «قُطان» بود که برخی این لقب را بدین معنا گرفته‌اند که وی پارچه‌فروشی را برای فعالیت مخفی انتخاب کرده بود و اموال را در پارچه می‌پیچید و به سفیر می‌رساند. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱: ۳۱۶ و ۳۱۷) سفرای چهارگانه امام دوازدهم سعی در پنهان کردن نام و وجود امام از خلفا داشتند. (حسین، ۱۳۷۷: ۱۵۰) توقیع صادره از امام نیز بر این امر تأکید داشت: «هر کس نام مرا در مجلس عامه ببرد، ملعون است» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۸۲). از این رو نواب اربعه به کتمان و پوشیده داشتن امور ملتزم بودند. (صدر، ۱۳۶۲: ۴۷۰) تا جایی که حسین بن روح نوبختی، سومین نائب امام دوازدهم، تظاهر به پیروی از مذهب اهل سنت می‌کرد (صدر، ۱۳۶۲: ۴۷۱؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۸۵) و حتی خادم خود را به‌خاطر ناسزاگفتن به معاویه در محفلی که خلیفه وقت در آن حاضر بود، اخراج کرد (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۸۶؛ حسین، ۱۳۷۷: ۱۹۸). رعایت این اصل موجب می‌شد شیعیان از دید جاسوسان حکومتی دور بوده و سازمان وکالت در یک پوشش امنیتی اقدام به فعالیت‌های خود کند.

۳-۲. نصب مستقیم وکلا

موضوع فعالیت سازمان وکالت از حساسیتی برخوردار بود که اطمینان کامل به وکلا را ایجاب می‌کرد و همین مسئله موجب شده بود ائمه خود، افراد را انتخاب کنند. انتخاب وکیل مورد اعتماد موجب می‌شد سازمان کمتر دچار آسیب‌های ناشی از انحراف شود. بنابراین امام به طور مستقیم اقدام به انتخاب و نصب وکلای مورد نظر می‌کرد، هر چند از مشورت وکلای ارشد نیز استفاده می‌کردند ولی تصمیم‌گیرنده نهایی خود امام بود. در نهایت امام طی یک نامه وکیل جدید را به سایر وکلا و متنفذین منطقه و مردم آن ناحیه معرفی می‌کرد. این معرفی موجب می‌شد بدنه شیعیان به وکیل جدید اعتماد کرده و از او تبعیت کنند. (جباری، ۱۳۸۲: ۱۸۰)

شرایطی که ائمه برای انتخاب اعضا و وکلا در نظر می‌گرفتند متناسب با سطح و حجم فعالیت وکیل در منطقه بود. از این رو وکلا لزوماً از افراد فقیه و دانشمند انتخاب نمی‌شدند؛ در برخی موارد توان اجرایی آن‌ها بیشتر مدنظر بوده است. با اینکه افراد عالم‌تری نسبت به وکلا در هر دوره وجود داشته‌اند اما توان اجرایی در مخفی‌کاری و برقراری ارتباط با مردم، بیش‌تر مدنظر امام بوده است. این

امر را می‌توان در انتخاب مفضل به عمر جعفری و یونس بن عبدالرحمن به عنوان وکیل در زمان امام صادق و امام کاظم علیهما السلام مشاهده کرد (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷: ۳۴۲). در انتصاب وکلا غالباً محلی بودن مورد توجه بود. امام با شناختی که از اصحاب خود و مناطق مختلف شیعه‌نشین داشت، وکیل مناسب آن منطقه را انتخاب و منصوب می‌کرد. علاوه بر این، پس از درگذشت یک وکیل ارشد، امام به سرعت جایگزین وی را منصوب و معرفی می‌کرد. (جباری، ۱۳۸۲: ۱۷۹) به عنوان نمونه پس از وفات علی بن حسین عبد ربّه، وکیل امام هادی در مدائن و بغداد، ابوعلی راشد به عنوان جایگزین وی، از سوی امام منصوب و معرفی شد. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۳ و ۵۱۴)

۳-۳. نظارت بر وکلا

نظارت مستقیم امام بر وکلا به این دلیل بود که فعالیت در قالب تشکیلاتی خود دنبال شود و به بهترین وجه انجام شود. نظارت امام جنبه‌های مختلفی داشته است. گاهی اوقات امام بدون درخواست وکیل خود، اقدام به تأیید فعالیت‌های آن وکیل می‌کرد. به عنوان نمونه امام حسن عسکری با نظارتی که بر فعالیت‌های وکیل خود در نیشابور داشت و وقتی از رفتار مردم با وی با خبر شد، نامه‌ای در تأیید او برای شیعیان آنجا فرستاد. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۷۹) برخی دیگر از نظارت‌ها برای دفع و رفع خطر از وکلا صورت می‌گرفته است. به عنوان نمونه امام دوازدهم در توقیعی از وکیل خود محمد بن احمد، محافظت کرد. در آن توقیع امر شده بود از دریافت وجوه شرعی خودداری شود. مدتی بعد، جاسوس خلیفه با محمد بن احمد ملاقات کرده و قصد تحویل وجوه شرعی داشت ولی او از دریافت آن‌ها استنکاف کرد و همین امر باعث شد از خطر نجات پیدا کند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ۳۱۰)

گونه دیگری از نظارت ائمه بر فعالیت وکلا، مبتنی بر منع امام از دخالت وکلا در قلمرو یکدیگر است. امام هادی هنگامی که ایوب بن نوح بن دراج، وکیل ایشان در کوفه و ابوعلی راشد، وکیل ایشان در بغداد و مدائن در حوزه فعالیت‌های یکدیگر وارد شده بودند، هر دو را از دخالت در قلمرو فعالیت‌های یکدیگر منع کرد. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۴) اختلافات درونی وکلا پیامدهای بدی برای سازمان داشت، ازاین‌رو حل این موارد نیز ذیل نظارت امام قرار داشت. به عنوان نمونه، اختلاف میان علی بن جعفر همانی و فارس بن حاتم قزوینی سبب شده بود که شیعیان در اینکه باید از کدام یک از این دو وکیل تبعیت کنند گرفتار حیرت و حتی بدبینی نسبت به وکلا شوند. ابراهیم

بن محمد همدانی از شیعیان منطقه همدان در نامه‌ای از امام هادی کسب تکلیف کرد. حضرت با پاسخ به نامه او و تأیید علی بن جعفر همانی، رفته‌رفته ابن قزوینی را حذف کرد (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۲۸ - ۵۲۲). مبارزه با فساد و خیانت در سازمان نیز جنبه دیگری از نظارت ائمه بر سازمان بود. در مواردی که در وکلا انحرافی مشاهده می‌شد امام متناسب با آن به برخورد لازم اقدام می‌کرد. برای نمونه یکی از وکلای امام صادق که در اموال حضرت خیانت کرده بود، پس از مراجعه نزد وی، مورد مؤاخذه و بازخواست قرار گرفت. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۹۸). به‌طور کلی نظارت امام بر عملکرد سازمان و وکلا، سبب حسن عملکرد سازمان و دورماندن آن از پیامدهای ناگوار و خطرانی می‌شد که سازمان را تهدید می‌کرد.

۴-۳. نظم و مدیریت امور

یکی دیگر از اصول رهبری در سازمان، رعایت نظم و انضباط و مدیریت و تدبیر امور بود. وجوب رعایت دستورات امام اولاً به‌عنوان امام و ثانیاً به‌عنوان رهبر و رئیس سازمان، برای همه وکلا روشن بود. علاوه بر این، ساختار منظم سازمان سبب شده بود امور در یک نظم ساختاری پیش رود. امام در رأس ساختار سازمان قرار داشت و فصل الخطاب امور بود. وجوه مالی از طریق شبکه گسترده وکلا جمع‌آوری، به صورت منظم برای امام ارسال می‌شد. گاهی اوقات نیز طبق دستور حضرت در همان محل مصرف می‌شد. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۸۰)

رعایت اصل نظم و تدبیر به تحقق اصولی مانند تقیه و نهان‌کاری، نظارت مستقیم بر وکلا منجر می‌شد. امام به‌عنوان رهبر شبکه گسترده وکلا، دستورالعمل‌هایی برای انجام فعالیت‌های خاص سازمان به وکلای خود ابلاغ می‌کرد (حسین، ۱۳۷۷: ۱۹۸) که نشان دهنده برنامه‌ریزی دقیق ائمه برای منظم‌سازی فعالیت‌های سازمان بوده است.

۵-۳. اطاعت محض از امام

تبعیت از امام وظیفه ذاتی وکلا بوده است. شیعیان هم از طرف ائمه مکلف به اطاعت از وکلا بودند. عدم تبعیت از امام، موجب انحراف و بی‌نظمی در سازمان می‌شد و امام نسبت به آن تذکر می‌داد و یا متناسب با سرپیچی صورت گرفته، اقدام می‌کرد. (جباری، ۱۳۸۲: ۳۹۱) امام هادی در نامه خود به ابوعلی راشد و ایوب بن نوح آنان را به اطاعت از امامشان فراخواند. (کشی، ۱۴۰۹ق:

(۵۱۴) از طرف دیگر، فرمان‌برداری و کلاً مورد تمجید امام قرار می‌گرفت. امام جواد پس از درگذشت محمد بن سنان، او را به‌خاطر اطاعت و عدم مخالفتش ستود. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۸)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با تتبع در آراء و اندیشه‌های مقام معظم رهبری روشن می‌گردد که هویت مطلوب از منظر ایشان برگرفته از سه رکن هویت دینی (اسلامی)، هویت ملی و هویت انقلابی است. از آن جایی که هویت مجموعه‌ای از نگرش‌ها، باورها و اعتقاداتی است که از یک طرف غلقه و وابستگی ایجاد می‌کند و از طرف دیگر دافع غیر خودی‌ها است؛ مسجد مطلوب در حوزه هویت‌سازی از منظر رهبر انقلاب مسجدی خواهد بود که نسبت به دین، کشور و انقلاب اسلامی، تعلق خاطر و حس افتخار ایجاد کند و بتواند افراد را گرد این سه گانه حفظ نموده و حضورشان را تقویت بخشد. از طرفی رکن دیگر این مسجد باید دفع آن چیزی باشد که با این احساس تعلق نسبت به دین، کشور و انقلاب در تضاد است. بنابراین مسجد مطلوب باید ضمن این که بین افراد جامعه با کشور و آب و خاک این مملکت و محله در سطوح پایین‌تر، وابستگی و یگانگی ایجاد کند؛ هویت دینی و انقلابی مردم را نیز تقویت کند تا مردم نسبت به ارزش‌های دینی و آرمان‌های انقلابی احساس افتخار داشته باشند و در جهت تحقق آن گام بردارند.

مساجد برای این که در راستای هویت‌سازی نسل جوان و نوجوان جامعه بتوانند موفق عمل کنند باید از لحاظ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری با این واقعیت تطبیق داشته باشند. از منظر سخت‌افزاری محیط داخلی و بیرونی مسجد باید شاخصه‌های احیاگری هویت سع گانه را دارا باشد. لازمه این انطباق، قرار گرفتن مسجد جامع در بافت اصلی و هسته مرکزی شهر و سایر مساجد در هسته مرکزی محله می‌باشد؛ به طوری که هرکسی قصد حضور در مسجد را کند؛ به راحتی بدان دسترسی داشته باشد. از سوی دیگر ساختار داخلی مسجد کاملاً در راستای احیاء سنت‌های دینی باشد و از زرق و برق و تجملات به دور باشد. همچنین مساجد باید در جهت تعظیم شعائر دینی، تحکیم ارتباطات محلی، تقویت مشارکت‌های محلی و محوریت در خدمات دهی گام بردارند و با محوریت در مطالبه‌گری و به طور کلی امور سیاسی روز هویت انقلابی جوانان و نوجوانان را نیز زنده نگه دارند.

از منظر نرم افزاری در واقع عناصر سازنده هویت در مسجد را می‌توان سه گانه امام جماعت، تشکلهای فرهنگی و مردم دانست. امام جماعت به عنوان رکن اصلی مسجد در جذب و تثبیت اهلی محل نقش مؤثری دارد. مردم و اهالی محل نیز پایه و رکن اصلی هویت خواهند بود که بدون آن‌ها هویت معنا و مفهومی نخواهد داشت. از این منظر مشارکت مردم در حل مسائل محلی از طریق مسجد اصلی‌ترین عامل هویت بخشی خواهد بود. مساجد می‌توانند با نقش دهی و مسئولیت سپاری به نوجوانان در محل میان آن‌ها و مسجد ایجاد علقه کنند تا هویت دینی، ملی و انقلابی آن‌ها در پرتو هویت مسجدی و محلی آن‌ها شکل بگیرد. بنابراین مسجد زمانی می‌تواند هویت ساز باشد که بتواند انسجام اجتماعی و مشارکت را در محله بالا ببرد. از طرف دیگر تشکلهای فرهنگی مثل بسیج می‌توانند با ورود به مساجد همچون حلقه وصلی رابطه بین نوجوان و جوان و مسجد را بیش از پیش تقویت بخشند.

جدول ۱: حیطه‌های رهبری شیعه در سازمان و کالت (مأخذ: نگارندگان)

حیطه‌های رهبری شیعه در سازمان و کالت	
مدیریت نیروی اجتماعی شیعه	راهِبردها
پرورش تشکیلاتی شیعه	
گذار شیعه به دوران غیبت	
تقسیم مسئولیت اجتماعی امام	شئون
دفاع چند لایه‌ای از شیعیان و نهاد امامت	
جلوگیری از انحرافات تشکیلاتی	
تقیه	اصول
نصب مستقیم و کلا	
نظارت بر و کلا	
نظم و مدیریت امور	
اطاعت محض از امام	

در تحلیل حیطه‌های سه گانه رهبری شیعه در سازمان و کالت با توجه به نظریه رهبری مشارکتی باید گفت، ماهیت راهبردها، اصول و شئون رهبری شیعه در سازمان و کالت گونه‌ای از رهبری

مشارکتی را به نمایش می‌گذارند که با توجه به شرایط زمانه و موضعی که امامان شیعه در برابر دستگاه خلافت داشته‌اند، ضروری می‌نماید.

نظریه رهبری مشارکتی تأکید دارد که رهبر با توزیع قدرت، حمایت متقابل، تصمیم‌گیری گروهی، و چشم‌انداز اهداف بزرگ، مشارکت اعضای سازمان را در پیشبرد اهداف افزایش می‌دهد (Yukl, 2012: 45). بر اساس این نظریه، رهبری امامان شیعه در سازمان وکالت نیز به‌عنوان الگویی از رهبری مشارکتی در سه حیطه «راهبردها»، «اصول» و «شئون» قابل بررسی است و در سه اصل «حمایت متقابل»، «تصمیم‌گیری گروهی» و «ترسیم اهداف بزرگ» دسته‌بندی می‌شود که در زیر به آن‌ها پرداخته شده است.

الف) اصل حمایت متقابل در سازمان وکالت

اصل حمایت متقابل به ایجاد تعاملات حمایتی میان رهبر و اعضای سازمان اشاره دارد که مشارکت اعضا در اهداف سازمان را تقویت می‌کند (Hosking, 2001: 76). در سازمان وکالت، این اصل به شیوه‌های مختلف زیر پیاده شده است که انسجام درونی سازمان و میزان مشارکت اعضا را افزایش داده است:

جلوگیری از انحرافات تشکیلاتی: در ساختار سازمان وکالت، امامان با نظارت بر عملکرد وکلا و ایجاد ارتباطات حمایتی مانع بروز انحرافات شده و به حفظ انسجام درونی سازمان کمک می‌کردند (مطهری، ۱۳۷۳: ص ۱۱۰).

دفاع چندلایه‌ای از شیعیان: شبکه وکالت در برابر تهدیدات خلافت عباسی از طریق پشتیبانی چندلایه و دفاع از شیعیان، نهاد امامت را تقویت می‌کرد (جعفریان، ۱۳۸۸: ص ۸۹).

تقیه: رعایت اصولی مانند تقیه برای حفاظت از ساختار سازمان و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، نمونه دیگری از این حمایت متقابل بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ص ۴۵).

اطاعت از امام: اطاعت پذیری از امام در شرایط خاص میزان آسیب‌ها را کاهش می‌داده است (جباری، ۱۳۸۲: ۳۹۱).

نصب مستقیم وکلا: انتخاب وکیل مورد اعتماد موجب می‌شد سازمان کمتر دچار آسیب‌های ناشی از انحراف شود. بنابراین امام به طور مستقیم اقدام به انتخاب و نصب وکلای مورد نظر می‌کرد، هر چند از مشورت وکلای ارشد نیز استفاده می‌کردند (جباری، ۱۳۸۲: ۱۸۰)

ب) اصل تصمیم‌گیری گروهی و نظارت بر وکلا در سازمان وکالت

تصمیم‌گیری گروهی یکی دیگر از اصول نظریه رهبری مشارکتی است که بر تقسیم قدرت و مسئولیت در سازمان تأکید دارد (Vroom & Jago, 1988: 122). در سازمان وکالت، این اصل از طریق موارد زیر پیاده می‌شد:

نظارت بر وکلا و مشورت با آن‌ها: امامان شیعه علاوه بر هدایت مستقیم، با مشورت با وکلا و تقسیم مسئولیت‌ها، زمینه تصمیم‌گیری مشارکتی را فراهم می‌کردند (جعفریان، ۱۳۸۸: ص ۱۰۵).

مدیریت نیروی اجتماعی شیعه: تقسیم وظایف و نقش‌های اجتماعی در میان وکلا و پیروان به تقویت توان مشارکتی سازمان کمک می‌کرد (امینی، ۱۳۷۱: ص ۲۵۶).

نظم و مدیریت امور: امام دستورالعمل‌هایی برای انجام فعالیت‌های خاص سازمان به وکلای خود ابلاغ می‌کرد که نشان دهنده برنامه‌ریزی دقیق ائمه برای منظم‌سازی فعالیت‌های سازمان بوده است (حسین، ۱۳۷۷: ۱۹۸).

تقسیم مسئولیت‌ها: این تقسیم‌بندی منجر به نهادمندی رهبری شیعه در سازمان وکالت شده بود (صبوریان و جمال‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۷۵؛ 38؛ Modarresi, 1993).

ج) اصل اهداف بزرگ و چشم‌انداز کلان:

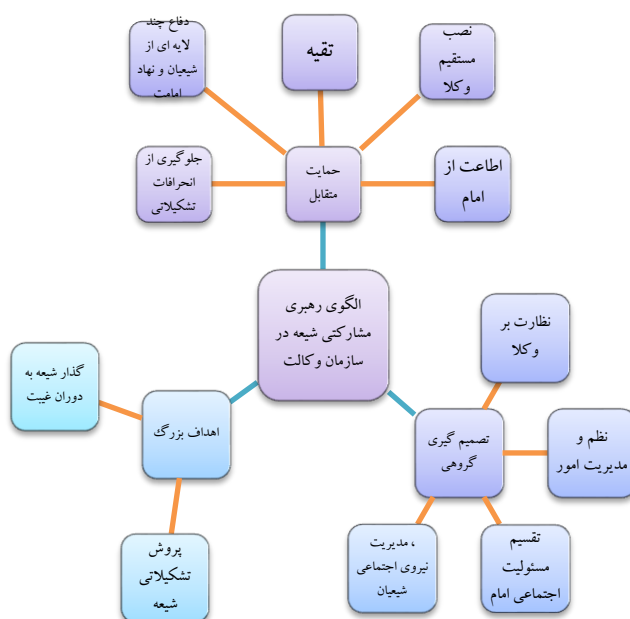
اصل سوم نظریه رهبری مشارکتی بر ترسیم و دستیابی به اهداف بزرگ تأکید دارد که انگیزه مشارکت اعضا را افزایش می‌دهد (Yukl, 2012: p. 87). در سازمان وکالت، بزرگ‌ترین هدف، تشکیل حکومت اسلامی به رهبری امام معصوم بود. این هدف بزرگ، تأثیرات زیر را در سازمان وکالت داشت:

پرورش تشکیلاتی و تقویت ساختاری شیعه: سازمان وکالت با هدف انسجام بخشی به شیعیان موجب شد شیعیان در قالب یک تشکیلات منسجم و هدفمند گرد هم آیند و بتوانند به

صورت نسلی، طی دو قرن خود را پرورش تشکیلاتی دهند و از جهت اجتماعی و فرهنگی خود را تقویت کنند (مطهری، ۱۳۷۳: ص ۱۲۵).

گذار شیعه به دوران غیبت: با توجه به شرایط حساس سیاسی، اهداف میانی مانند گذار به دوران غیبت و حفظ هویت شیعه در سازمان وکالت طراحی و عملیاتی شد (جعفریان، ۱۳۸۸: ص ۱۳۱). این اهداف بزرگ باعث شد تا مشارکت اعضای سازمان در دستیابی به این چشم‌انداز کلان افزایش یابد و سازمان بتواند نقش مؤثری در تداوم رهبری شیعه ایفا کند.

با تحلیل سه اصل اساسی رهبری مشارکتی اعم از حمایت متقابل، تصمیم‌گیری گروهی و اهداف بزرگ در سازمان وکالت، می‌توان نتیجه گرفت که سازمان وکالت الگویی کارآمد از رهبری مشارکتی در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه بوده است. این الگو با تمرکز بر نیازهای زمانه و طراحی راهبردهای مناسب، تحت هدایت امامان معصوم، توانسته مشارکت، انسجام، و نهادمندی در میان پیروان شیعه را تقویت کند. اجزای مختلف الگوی رهبری مشارکتی شیعه در سازمان وکالت را می‌توان به صورت زیر به نمایش گذاشت:



شکل ۱: الگوی رهبری مشارکتی شیعه در سازمان وکالت اهل بیت علیهم السلام (مأخذ: نگارندگان)

در پایان باید گفت تعالیم اهل‌بیت خصوصاً در حوزه رهبری اجتماعی و پرورش تشکیلاتی نیروی انسانی یکی از نیازهای امروز جامعه ماست. یکی از مهم‌ترین مصادیق عینی که در طول حیات اهل‌بیت مبتنی بر همین تعالیم و آموزه‌ها شکل گرفت و توانست توفیقاتی داشته باشد، سازمان وکالت است که این پژوهش یکی از صدها مسئله نهفته در این سازمان را بررسی کرد. این نمونه عینی از جهات متعددی می‌تواند در دوره حاضر به کار آید و می‌تواند برای شکل‌دهی به سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دوره کنونی مفید باشد. همچنان که نهاد مرجعیت شیعه در طول دوران غیبت کبری از بخشی از کارکردهای وکالت استفاده کرده است. (ر.ک: صبوریان، ۱۳۹۸: ۸۳-۱۱۸)

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب، قم: ادب الحوزه.
- ابن شهر آشوب، علی (۱۴۰۸ق). مناقب آل ابی طالب، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، قم: علامه.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق). الاستیعاب فی معرفةالأصحاب، تحقیق علی بجاوی، بیروت: دارالجلیل.
- اربلی، ابوالحسن (۱۳۶۴). کشف الغمّة فی معرفة الاثمه علیهم السلام، قم: ادب الحوزه.
- اکبری مقدم، لاله (۱۳۹۳). «ساختار سازمان وکالت در عصر امام هادی علیه السلام و کارکردهای آن»، فرهنگ پژوهش، شماره ۱۹: ۴۳ تا ۷۲.
- اکبری، مجید (۱۳۹۵). چالش‌های عصر غیبت صغری و واکنش علمای شیعه و سازمان وکالت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- امین، محسن (۱۴۰۳ق). أعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- امینی، عبدالحسین. (۱۳۷۱). الغدیر. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- پاکیزه، مهدی (۱۳۹۲). بررسی سازمان وکالت امامان شیعه (ع) و تأثیر آن بر پیشبرد مذهب تشیع از دیدگاه کارکردگرایی ساختاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- جباری، محمدرضا (۱۳۸۲). سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جعفری، حسین محمد (۱۳۸۷). تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱). حیات فکری سیاسی امامان شیعه، چاپ دوم، تهران: علم.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۸). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دوره صفوی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- جلالی، شیما (۱۳۹۹). نقش اقتصادی سازمان وکالت امامان شیعه علیهم السلام بر گسترش تشیع، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حسین، جاسم (۱۳۷۷). تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: امیرکبیر.
- حیدری نیک، مجید (۱۳۹۳). درس‌نامه تاریخ تحلیلی اهل‌بیت علیهم السلام، قم: المصطفی.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۳). پیشوای صادق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۱). انسان ۲۵۰ ساله، گردآوری و تنظیم مرکز صهبا، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی.
- زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- صبوریان، محسن (۱۳۹۸). تشکیل نهاد مرجعیت تقلید شیعه، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- صبوریان، محسن؛ جمال‌زاده، محمدحسین (۱۴۰۳). «سنجش نهادمندی رهبری شیعه در سازمان وکالت اهل‌بیت علیهم‌السلام». فرهنگ و سیره اهل‌بیت، ۳(۹): ۱۵۱-۱۸۰. doi: 10.22034/mab.2025.495614.1165
- صدر، محمد (۱۳۶۲). تاریخ الغیبه الصغری، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، تهران: جهان.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین (۱۳۹۵ق). کمال‌الدین و تمام النعمه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ قاضی‌خانی، حسین (۱۳۹۴). «بررسی مدیریت تعارض در سازمان وکالت»، مشرق موعود، ۹ (۳۳): ۲۳ - ۴۸.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). شیعه در اسلام. قم: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج، تصحیح سید محمدباقر موسوی خراسانی، مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). کتاب الغیبه، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- علی، جواد (۱۴۰۲). روند تکاملی گفتمان مهدویت در منابع شیعه اثناعشری، ترجمه محمدصادق شریعت‌پارسا، تهران: کویر.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). رهبری سازمانی، تهران: انتشارات میدانچی.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). اختیار معرفه الرجال، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لطیفی، رحیم (۱۳۹۲). پرسمان نیابت و وکالت امامان معصوم، قم: بنیاد مهدی موعود.
- مافقانی، عبدالله (بی‌تا). تنقیح المقال فی علم الرجال، تهران: انتشارات جهان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). امامت و رهبری، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). امامت و رهبری. تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق). النکت الاعتقادیه، بیروت: دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع.
- ملبویی، محمدکاظم (۱۳۹۰). سازمان وکالت امامیه و سازمان دعوت عباسیان (شباهت‌ها و تفاوت‌ها)، قم: معارف.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۹). تاریخ امامت، قم: معارف.
- نادری، عزت‌اله؛ سیف‌نراقی، مریم (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم انسانی، تهران: بدر.
- نجاشی، حسین (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم: جامعه مدرسین.
- نصراله‌پور، جواد (۱۳۹۹). رهبری جامعه شیعه سیر تاریخی از سازمان وکالت تا ولایت فقیه، قم: مرکز مهدویت.

- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). کتاب الغیبه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
- Adjepong, Adjei (2015). Inadequate Understanding of the Past: Some Key Limitations of History. *International Journal of History and Cultural Studies (IJHCS)*, 1 (3): 1 - 25.
- Avolio, B. J., Walumbwa, F. O., & Weber, T. J. (2009). Leadership: Current Theories, Research, and Future Directions. *Annual Review of Psychology*, 60, 421-449.
- Chiung, H.H (2013). Shared Leadership and team Learning: Roles of Knowledge Sharing and Team Characteristics. *Journal of international management studies*. Vol.8.n1.
- Deflem, M., & Dove, A. L. (2013). Historical Research and Social Movements. *The Wiley-Blackwell Encyclopedia of Social and Political Movements* (pp. 560-563). Malden, MA: Wiley-Blackwell.
- Hosking, D. M. (2001). Leadership processes and follower self-concept. *The Leadership Quarterly*, 12(1), 75-99.
- Lam, C. K., Huang, X., and Chan, S. C. H. (2015). The threshold effect of participative leadership and the role of leader information sharing. *Acad. Manage. J.* 58, 836–855. doi: 10.5465/amj.2013.0427
- Likert, R. (1961). *New Patterns of Management*. New York: McGraw-Hill Book Company.
- Modarresi, H. (1993). *Crisis and Consolidation: The Abbasid Caliphate and Shi'ite Imamate*. Princeton University Press.
- Northouse, P. G. (2018). *Leadership: Theory and Practice*. Sage publications.
- Vroom, V. H., & Jago, A. G. (1988). *The New Leadership: Managing Participation in Organizations*. Prentice Hall.
- Wang Q, Hou H and Li Z (2022) Participative Leadership: A Literature Review and Prospects for Future Research. *Front. Psychol.* 13:924357. doi: 10.3389/fpsyg.2022.924357
- White, G.L. Smith, K. H. (2010). Leadership characteristics and team outcomes in the development of a marketing web page. *International information management Association*. Vol.12, pp:99-116.
- Yukl, G. (2012). *Leadership in Organizations*. Pearson Education.

